

بررسی تأثیر انگیزه‌های مالیاتی بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در
کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی
(رهیافت اقتصاد سنجی فضایی)
سیدکمال صادقی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۶

چکیده

بررسی ارتباط بین انگیزه‌های مالیاتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ادبیات اقتصاد کلان حائز اهمیت بوده و بخش عمده‌ای از مطالعات تجربی در سالهای اخیر را به خود اختصاص داده است. در مطالعات تجربی صورت گرفته در زمینه ارتباط بین این دو متغیر فرض می‌شود تغییر نرخ مالیات منجر به تغییر میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بین کشورها نمی‌شود در حالی که انتظار بر این است با تغییر نرخ مالیات در بین کشورها، میزان جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورها نیز دچار تغییر شود. در این راستا، این مطالعه بر آن است با بهره‌گیری از رهیافت خودرگرسیون فضایی^۲ به بررسی تأثیر نرخ مالیات بر خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی از جمله ایران طی سالهای ۲۰۱۰-۱۹۹۵ بپردازد. نتایج برآورد مدل تحقیق بیانگر این است که نرخ مالیات تأثیر منفی و معنادار بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته و اثرات همسایگی و مجاورت بین کشورها نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ مالیات، رهیافت خودرگرسیون فضایی، کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

۱- عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه تبریز sadeghiseyedkamal@gmail.com

2 . Spatial Auto Regressive (SAR)

۱- مقدمه

با توسعه مدل‌های رشد در ادبیات اقتصاد کلان بحث سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه به عنوان یکی از موضوعات اساسی مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی واقع شده است. سرمایه‌گذاری می‌تواند در طیف وسیعی از مباحث اقتصادی مطرح شده به طوری که تأمین سرمایه برای قرار گرفتن در سطح تعادلی رشد مطرح می‌باشد. علاوه بر این، یافتن منابع بهینه تأمین مالی و سرمایه در بخش‌های مختلف اقتصادی نیز حائز اهمیت می‌باشد. در این راستا، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ به عنوان یکی از روش‌های تأمین مالی در سطح بین‌المللی محسوب گردیده و در سال‌های اخیر بخش عمده‌ای از مطالعات تجربی را به خود اختصاص داده است.

مطالعات انجام شده در خصوص ادبیات موضوعی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر متغیرهای اقتصادی نظیر تعرفه‌ها، بهره‌وری نیروی کار، مخارج دولت و سطح دستمزدها و همچنین عوامل حقوقی همانند مالکیت معنوی و ساختار حقوقی مالکیت را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج به دست آمده در مطالعات، بسته به انتخاب حجم نمونه و رویکرد مورد بررسی متفاوت بوده و نتایج متفاوتی در خصوص تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای فوق بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حاصل شده است.

آنچه که در اغلب مطالعات تجربی به بوته فراموشی سپرده شده است تأثیر نرخ مالیات به عنوان یکی از ابزارهای سیاست مالی دولت و نیز انگیزه مالیاتی در تأمین جریان سرمایه‌های خارجی می‌باشد. انگیزه‌های مالیاتی نقش تعیین کننده‌ای در رشد و ثبات اقتصادی ایفا نموده به طوری که دولت با اعمال سیاست‌های مالی انبساطی و کاهش نرخ‌های مؤثر مالیاتی^۲ ضمن افزایش سطح تولید می‌تواند زمینه‌های لازم برای افزایش میزان سرمایه‌گذاری و به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را فراهم نماید. علاوه بر این، مروری بر پیشینه پژوهش در خصوص بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشان می‌دهد که در روش‌های اقتصاد سنجی مورد استفاده برای تصریح مدل به نقش اثر همسایگی و مجاورت در جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی توجه نشده است. لذا در این پژوهش به منظور جبران خلاء مطالعاتی موجود سعی می‌شود با استفاده از رهیافت خودرگرسیون فضایی، عوامل مؤثر بر جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تأکید بر تأثیر نرخ مالیات

1 . Foreign Direct Investment (FDI)

2 . Effective Tax Rate

در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سالهای ۲۰۱۰-۱۹۹۵ بررسی شود. انجام این تحقیق از آن جهت حائز اهمیت است که بررسی نحوه تأثیرگذاری اثر همسایگی و مجاورت و نیز نرخ مالیات می‌تواند سیاستگذاران اقتصادی این گروه کشورها را در اجرای سیاستهای مالی مناسب به منظور جذب هر چه بیشتر جریان سرمایه‌گذاری خارجی و در نهایت ارتقای سطح تولید و رشد اقتصادی یاری رساند. در ادامه سازماندهی مقاله به این صورت است که در بخش دوم به ادبیات تحقیق در قالب مبانی نظری و مطالعات تجربی پرداخته شده، در قسمت سوم به صورت اجمالی روش اقتصادسنجی فضایی مورد معرفی قرار می‌گیرد. در بخش چهارم مدل تحقیق و پایگاه داده‌های آماری معرفی شده و در قسمت پنجم، نتایج تجربی برآورد مدل تحقیق ارائه می‌شود. قسمت ششم و پایانی مقاله نیز به نتیجه‌گیری و ارائه توصیه سیاستی مطالعه اختصاص یافته است.

۲- ادبیات تحقیق

در این بخش ابتدا به بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تأکید بر تأثیر انگیزه‌های مالیاتی پرداخته شده و در قسمت دوم برخی از مهمترین مطالعات انجام شده خارجی و داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مطالعه ادبیات موضوعی مربوط به عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیانگر این است که تئوری‌های موجود در این زمینه در پنج دسته متمایز تقسیم بندی می‌شوند. دسته اول مربوط به تئوری‌های مرتبط با بازار کامل بوده که خود به سه دسته نرخ‌های متفاوت عواید، تنوع سرمایه‌گذاری و اندازه بازار تقسیم می‌شوند. وجود نرخ‌های متفاوت عواید مبین این است که با افزایش نرخ‌های سود در کشورها، جریان ورود سرمایه‌های خارجی به این گروه از کشورها افزایش می‌یابد. یکی از نقاط ضعف این نظریه آن است که با فرض وجود نرخ واحد از سود در بین صنایع، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن صنایع اتفاق نمی‌افتد. همچنین با در نظر گرفتن نرخ واحد از سود، در هیچ شرایطی میان دو کشور جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رخ نمی‌دهد. در نظریه تنوع سرمایه‌گذاری، تصمیم یک شرکت چند ملیتی جهت سرمایه‌گذاری در خارج تنها متأثر از نرخ‌های بازگشت سود نبوده بلکه کاهش خطرات ناشی از سرمایه‌گذاری نیز در سرمایه‌گذاری مؤثر می‌باشد. بنابر این نظریه، تنوع سرمایه‌گذاری یک شرکت در بازارهای متعدد، امکان خطرات آن را کاهش می‌دهد. در فرضیه اندازه بازار نیز هر اندازه حجم و وسعت بازار بزرگ باشد، در آن صورت دسترسی کافی به منابع و کاهش هزینه‌های تولید از طریق صرفه‌های به مقیاس امکان پذیر می‌باشد. بنابراین اندازه

بازار در کشور میزبان^۱ به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مطرح بوده و با افزایش میزان اندازه و وسعت بازار در کشور میزبان انتظار بر این است که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش یابد.

از دیگر عوامل اقتصادی مؤثر بر جلب جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، انگیزه‌های مالیاتی در کشورهای میزبان می‌باشد. بر این اساس، انگیزه‌های مالیاتی با در نظر گرفتن نرخ‌های متفاوت مالیات در کشورهای میزبان این امکان را فراهم می‌نماید تا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها تحت تأثیر قرار گیرد. تحت این شرایط اگر دولت در کشورهای میزبان تخفیف‌های مالیاتی را برای سرمایه‌گذاران خارجی در نظر گرفته به طوری که این امر منجر به جبران زیان‌های مالیاتی پرداخت شده توسط این سرمایه‌گذاران شود، در آن صورت می‌توان انتظار داشت که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای میزبان افزایش یابد. برای در نظر گرفتن رفتار دولت در کشور میزبان، فرض کنید که دولت در پی حداکثر کردن منافع مالیاتی ناشی از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت زیر باشد:

$$\psi = B(I) + \tau Q(I, G) - cG \quad (1)$$

در رابطه فوق، I ، معرف میزان جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان، $Q(I, G)$ سودآوری ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی در کشور میزبان، τ نرخ مالیات وضع شده بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، $B(I)$ ، منافع غیرمالیاتی ناشی از جذب FDI در کشور میزبان، G ، خدمات دولتی ارائه شده توسط دولت در کشور میزبان برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی و c هزینه هر واحد ارائه این خدمات توسط دولت می‌باشد. در مدل فوق، سرمایه‌گذاری خارجی تابعی از ویژگی‌های مختلف کشور میزبان بوده و دو متغیر نرخ مالیات وضع شده بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و میزان خدمات ارائه شده دولتی جهت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کنترل دولت می‌باشند. با توجه به حداکثر کردن تابع سرمایه‌گذاری فوق، شرط مرتبه اول برای استخراج میزان بهینه نرخ مالیات وضع شده بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز تعیین میزان خدمات دولتی به صورت روابط زیر حاصل می‌شود:

1 . Host Country

$$\left[B'(I) + \tau \frac{\partial Q}{\partial I} \right] \frac{\partial I}{\partial \tau^*} \frac{\partial \tau^*}{\partial \tau} = -Q(I, G), \quad (2)$$

$$\left[B'(I) + \tau \frac{\partial Q}{\partial I} \right] \frac{\partial I}{\partial G} = c - \tau \frac{\partial Q}{\partial G}.$$

در رابطه (۲)، τ^* بیانگر ترکیبی از نرخ مالیات در کشور میزبان (جذب کننده سرمایه‌های خارجی) و نرخ مالیات در کشور مبدأ بوده که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\tau^* = \tau + \gamma [\tau^h - \tau(1-\alpha) - \tau^f \alpha] \quad (3)$$

در رابطه فوق، γ نشان دهنده اهمیت مالیات در کشور مبدأ، τ^f ، نرخ مالیات در کشور مبدأ یا کشور خارجی، τ^h ، نرخ مالیات در کشور میزبان (جذب کننده سرمایه‌های خارجی) یا کشور داخل و α نیز بیانگر تخفیف مالیاتی در کشور میزبان می‌باشد. با در نظر گرفتن رابطه (۳)، در صورتی که تخفیف‌های مالیاتی در کشور میزبان افزایش یابد، در آن شرایط دولت در کشور میزبان سرمایه‌گذاری مالیاتی را جایگزین سرمایه‌گذاری غیر مالیاتی خواهد نمود. بنابراین با فرض تخفیف‌های مالیاتی می‌توان انتظار داشت که جریان ورود سرمایه‌های خارجی به کشور میزبان افزایش یابد (بیلگیلی و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۱۶۴-۱۱۶۳).

در خصوص تأثیر انگیزه‌های مالیاتی بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، می‌توان استدلال نمود که اگر چه وجود مشوق‌ها و انگیزه‌های مالیاتی منجر به افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان می‌شود، اما دولت را از بخشی از درآمدهای آتی خود محروم می‌کند. لذا لازم است تشویق‌ها و انگیزه‌های مالیاتی به گونه‌ای وضع شوند که ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ناشی از آن منجر به افزایش رشد اقتصادی و در نتیجه افزایش درآمدهای مالیاتی شده و از این طریق کاهش اولیه درآمدهای مالیاتی دولت را جبران نماید.

در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مطالعات متعددی در خارج و داخل کشور صورت گرفته است. بررسی‌های به عمل آمده از مروری بر سابقه پژوهش در کشورهای در حال توسعه و به ویژه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نشان می‌دهد که تاکنون مطالعه مستقیمی پیرامون بررسی تأثیر انگیزه‌های مالیاتی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این گروه از کشورها انجام نشده است. در ادامه به برخی از مهمترین مطالعات انجام شده اشاره می‌شود:

هینز (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر نرخ مالیات بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۸۲ کشور در حال توسعه طی سالهای ۱۹۹۵-۱۹۸۰ می‌پردازد. یافته‌های تجربی این مطالعه حاکی از تأثیرگذاری منفی و معنی‌دار نرخ مالیات بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این گروه از کشورها می‌باشد.

دیمویچ و ادروین (۲۰۰۳) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر نرخ مالیات بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۲۵ کشور توسعه یافته طی سالهای ۲۰۰۱-۱۹۹۰ می‌پردازند. آنها در این مطالعه به این نتیجه می‌رسند که کشش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به نرخ مالیات برابر با $0/۳۳-$ بوده و نرخ مالیات تأثیر منفی و معنادار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مورد بررسی دارد.

بلونینگن (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی پویا به بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۱۲۰ کشور در حال توسعه و توسعه یافته طی سالهای ۲۰۰۳-۱۹۹۲ می‌پردازد. نتایج این مطالعه دلالت بر تأثیرگذاری مثبت و معنی‌دار نرخ ارز، بهره‌وری نیروی کار و شاخص ادراک فساد اداری و تأثیر منفی نرخ مالیات بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد.

کاسیدی و کالاقان (۲۰۰۶) با استفاده از رهیافت خودرگرسیون فضایی به بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین طی سالهای ۲۰۰۱-۱۹۸۶ می‌پردازند. نتایج این مطالعه بیانگر تأثیر منفی و معنی‌دار نرخ مالیات و هزینه‌های نیروی کار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد.

کانگ و لی (۲۰۰۷) با استفاده از روش همجمعی جوهانسن-جوسیلیوس به بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور چین طی سالهای ۲۰۰۵-۱۹۸۰ می‌پردازند. یافته‌های تجربی این مطالعه بیانگر تأثیر مثبت متغیرهای اندازه بازار در کشور میزبان (چین)، درجه باز بودن اقتصاد، تأثیر منفی و معنادار نرخ مالیات و هزینه نیروی کار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد.

آزمار و دلیوس (۲۰۰۸) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر نرخ مالیات بر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۱۲ کشور در حال توسعه طی سالهای ۲۰۰۵-۱۹۹۰ می‌پردازند. آنها در این مطالعه نتیجه می‌گیرند ارتباط معنی‌داری بین کاهش نرخ مالیات و افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مورد بررسی برقرار نمی‌باشد.

لیبریت و ریدل (۲۰۱۰) با استفاده از مدل جاذبه و رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۸ کشور اروپای مرکزی و شرقی طی سالهای ۲۰۰۴-۱۹۹۵ می‌-

پردازند. نتایج برآورد مدل بیانگر تأثیرگذاری مثبت و معنادار متغیرهای زیرساخت‌های اقتصادی و نرخ ارز و نیز تأثیر منفی متغیرهای فاصله جغرافیایی و نرخ مالیات بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد.

بیلگیلی و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه خود با استفاده از رهیافت مارکوف-سوئیچینگ^۱ به بررسی رابطه غیرخطی متغیرهای مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور ترکیه طی سالهای ۲۰۰۴-۱۹۸۰ می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد متغیرهای نرخ ارز و درجه باز بودن اقتصاد تأثیر مثبت و متغیرهای هزینه نیروی کار و نرخ مالیات تأثیر منفی و معنادار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند.

وائوگو (۲۰۱۲) با بهره‌گیری از رهیافت اقتصاد سنجی فضایی و رهیافت خودرگرسیون فضایی به مدل‌سازی عوامل مؤثر بر جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۳۷ کشور در حال توسعه طی سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۵ می‌پردازد. یافته‌های این مطالعه بیانگر تأیید اثرات مجاورت و همسایگی در بین کشورها بوده و متغیرهای نرخ ارز، هزینه نیروی کار و نرخ مالیات از مهمترین متغیرهای مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محسوب می‌شوند.

اولیویرا (۲۰۱۲) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی پویا به بررسی تأثیر نرخ مالیات بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بنگاه‌های تولیدی پرتغال طی سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۰ می‌پردازد. نتایج تجربی این مطالعه نشان دهنده تأثیر منفی و معنادار نرخ متوسط و نهایی مالیات بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این بنگاه‌ها می‌باشد.

در زمینه مطالعات انجام شده داخلی پیرامون بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌توان به مطالعات حاجیلی (۱۳۷۹)، داودی و شاهمرادی (۱۳۸۳)، مزینی و مرادحاصل (۱۳۸۹)، فطرس و نجارزاده نوش آبادی (۱۳۸۹) و طیبی و گوگردچیان (۱۳۸۵) اشاره نمود. در این مطالعات و با استفاده از رویکردهای سری زمانی و بین‌کشوری، متغیرهای مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شناسایی گردیده که از مهمترین این عوامل می‌توان مواردی نظیر بهره‌وری نیروی کار، نرخ ارز، درجه باز بودن اقتصاد، اندازه بازار و سرمایه‌گذاری داخلی را نام برد.

با مروری بر پیشینه تجربی در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌توان نتیجه‌گیری نمود که در اغلب مطالعات و به ویژه مطالعات داخلی از روش‌های متعارف و متداول

1 . Markov Switching

برآورد مدل در داده‌های سری زمانی و رهیافت بین کشوری استفاده شده و به اثرات سرریز تغییر در نرخ مالیات به عنوان یکی از ابزارهای مالی دولت و همچنین انگیزه مالیاتی بر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی پرداخته نشده است. لذا وجه تمایز این مطالعه نسبت به مطالعات پیشین، استفاده از رهیافت خودرگرسیون فضایی برای بررسی تأثیر نرخ مالیات بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سالهای ۲۰۱۰-۱۹۹۵ می‌باشد.

۳- معرفی رهیافت اقتصادسنجی فضایی

یکی از تحولات و پیشرفتهای ایجاد شده در به کارگیری روشهای کمی در اقتصادسنجی، استفاده از رهیافت اقتصادسنجی فضایی^۱ است. تفاوت اقتصادسنجی فضایی با روشهای مرسوم و متداول اقتصادسنجی در توانایی و کاربرد تکنیک اقتصادسنجی برای استفاده از داده‌های نمونه‌ای بوده که دارای جزء مکانی می‌باشند. زمانی که داده‌های نمونه‌ای دارای جزء مکانی هستند وابستگی فضایی در بین مشاهدات و همچنین ناهمسانی فضایی در روابط مدل‌سازی شده رخ خواهد داد. وابستگی فضایی اشاره به این واقعیت دارد که داده‌های نمونه‌ای مشاهده شده در یک نقطه از فضا وابسته به مقادیر مشاهده شده در مکانهای دیگر است. به عنوان مثال میزان تغییر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشوری مانند I صرفاً متأثر از عوامل درون همان کشور نبوده بلکه عوامل دیگری که ناشی از مجاورت و همسایگی^۲ این کشور با سایر کشورها می‌باشد بر میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور I مؤثرند. تحت این شرایط، روشهای متداول اقتصادسنجی نظیر حداقل مربعات معمولی امکان برآورد این‌گونه عوامل را ندارند. علاوه بر این، اصطلاح ناهمسانی واریانس بیانگر انحراف در روابط بین مشاهدات در سطح مکانهای جغرافیایی فضا دارد. به عبارت دیگر با حرکت در بین مشاهدات (تغییر مکان جغرافیایی) توزیع داده‌های نمونه‌ای دارای میانگین و واریانس ثابتی نخواهد بود. در مدل‌های اقتصادسنجی فضایی برای رفع این نقیصه‌ها از ماتریس وزنی فضایی یا ماتریس مجاورت استفاده شده که به وسیله آن تأثیر مشاهدات مجاور به عنوان متغیر توضیحی در مدل ملحوظ می‌شود. برای تشکیل ماتریس مجاورت، روشهای مختلفی وجود دارد که مجاورت خطی، رخ مانند، خطی دوطرفه، رخ مانند دو طرفه و ملکه مانند از مهمترین روشهای تشکیل

1. Spatial Econometrics

2. Contiguity

ماتریس مجاورت می‌باشند. در ماتریس مجاورت، عناصر روی قطر اصلی برابر با صفر بوده و عناصر خارج از قطر اصلی در صورتی که کشورها مجاور و همسایه یکدیگر باشند مقدار یک را اختیار می‌کند. پس از تشکیل ماتریس مجاورت، در تخمین مدل بایستی از ماتریس استاندارد شده ماتریس مجاورت که به ماتریس وزنی فضایی معروف است، استفاده نمود. در این ماتریس، استانداردسازی بر اساس مجموع سطرهای ماتریس مجاورت صورت گرفته و هر یک از عناصر ماتریس مجاورت بر مجموع سطرهای ماتریس تقسیم می‌شود. ماتریسی که بدین ترتیب ایجاد می‌شود، ماتریس مجاورت استاندارد شده مرتبه اول نامیده می‌شود. با استاندارد کردن ماتریس مجاورت و ضرب آن در بردار متغیر وابسته، متغیر جدیدی حاصل می‌شود که میانگین مشاهدات مناطق همسایه و مجاور را نشان داده و آن را در اصطلاح متغیر تأخیر فضایی^۱ می‌نامند. در یک فرم فضایی، مدل مختلط خودرگرسیون فضایی به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$y = \rho W y + X \beta + \varepsilon \quad (4)$$

در رابطه (۴)، y بردار $(n \times 1)$ از متغیرهای وابسته، W ، ماتریس مجاورت استاندارد شده $(n \times n)$ و X بیانگر ماتریس متغیرهای توضیحی است. در این رابطه، حاصل ضرب $W y$ میانگین وزنی متغیر وابسته مربوط به هر مکان را در نقاط همسایه و مجاور نشان می‌دهد. معنی‌دار بودن ضریب آن (ρ) نشان دهنده وجود وابستگی فضایی در بین مشاهدات می‌باشد. در مرحله بعد و به منظور آزمون وجود خودهمبستگی فضایی در بین جملات اختلال از آزمون‌های مورانز، گیری و گتیس استفاده می‌شود. در این آزمونها، فرضیه صفر دلالت بر عدم وجود خودهمبستگی فضایی میان جملات خطا بوده و در صورت رد فرضیه صفر، خودهمبستگی فضایی در جملات خطا مورد تأیید قرار می‌گیرد^۲. مدل‌سازی رابطه فضایی می‌تواند به طریق مختلف و فرم‌های متفاوت صورت گیرد. در یک سیستم فضایی با وقفه فرض می‌شود مقدار متغیر وابسته در مکان خاص به وسیله میانگین وزنی فضایی از کل مقدار متغیر وابسته تعیین شود. چنین مدل‌هایی به وسیله روشهای متداول اقتصاد سنجی همانند OLS قابل برآورد نبوده و به دلیل وقوع مشکل همزمانی بین متغیرها، از روش

1. Spatial Lag

۲- برای مطالعه بیشتر در زمینه مدل‌های خودرگرسیونی فضایی و سایر انواع مدل‌های فضایی به (Leasage 1999) مراجعه نمایید.

حداکثر راستنمایی برای تخمین پارامترهای مدل استفاده می‌شود. استفاده از این روش، منجر به تخمین زنده‌های بدون تورش و سازگار می‌شود (واثوگو، ۲۰۱۲: ۱۵-۱۳).

با توجه به مفهوم خودهمبستگی فضایی و سرریز پدیده‌های اقتصادی از یک واحد جغرافیایی به واحدهای دیگر، عموماً مدل‌های مختلط خودرگرسیون فضایی برای تخمین مدل مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین در این مطالعه نیز سعی شده است با استفاده از این رهیافت، اثر نرخ مالیات بر خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و همچنین وابستگی فضایی در بین مشاهدات مورد بررسی و آزمون قرار گیرد.^۱

۴- معرفی مدل تحقیق و پایگاه داده‌های آماری

بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام شده نظیر مطالعات کاسیدی و کالاقان (۲۰۰۶) و واثوگو (۲۰۱۲)، مدل مختلط خودرگرسیون فضایی زیر برای بررسی تأثیر نرخ مالیات بر خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی^۲ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

$$LFDI_{it} = \alpha_i + \rho W LFDI_{it} + \beta_1 LGDP_{it} + \beta_2 LREER_{it} + \beta_3 LOPEN_{it} + \beta_4 TR_{it} + \beta_5 LFDI_{t-1} + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

در رابطه فوق، LFDI لگاریتم خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، $LFDI_{t-1}$ مقدار وقفه‌دار مرتبه اول^۳ لگاریتم خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، LGDP لگاریتم تولید ناخالص داخلی حقیقی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ به عنوان متغیر جایگزین^۴ برای اندازه بازار^۵ در کشورهای میزبان، LREER لگاریتم نرخ مؤثر واقعی ارز، LOPEN، لگاریتم نسبت

۱- علی‌رغم پخش بودن کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در قاره‌های مختلف لازم است برای نشان دادن همبستگی فضایی میان مشاهدات از آزمون LM و مورانز استفاده شود. لذا در این مطالعه از این آزمونها برای همبستگی فضایی مشاهدات استفاده شده است.

۲- علی‌رغم ناهمگن بودن کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، ۵۷ کشور عضو این سازمان که ایران نیز یکی از اعضای این گروه از کشورهاست، به عنوان گروه کشورهای مورد بررسی استفاده شده است. زیرا معیاری برای تقسیم‌بندی این گروه از کشورها در دسترس نمی‌باشد.

۳- با توجه به محدود بودن دوره زمانی مورد بررسی در این مطالعه (۲۰۱۰-۱۹۹۵) از مقدار وقفه‌دار مرتبه اول سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان متغیر توضیحی در مدل استفاده شده است.

4 . Proxy

۵- در مطالعات آمار و دلبوس (۲۰۰۸) و اولیویرا (۲۰۱۲) از متغیر تولید ناخالص داخلی حقیقی به عنوان متغیر مناسب برای در نظر گرفتن اندازه بازار استفاده شده است.

حجم تجارت (ارزش صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیر جایگزین درجه باز بودن اقتصاد، TR، نرخ مالیات (نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی) و α_I اثر انفرادی هر یک از کشورهای مورد مطالعه می‌باشند. شایان ذکر است که برای محاسبه نرخ مؤثر واقعی ارز، نرخ مؤثر اسمی ارز در نسبت شاخص متوسط قیمت تولید کننده کشورهای شریک تجاری به شاخص بهای کالاهای مصرفی در کشورهای مورد بررسی ضریب شده است. نرخ مؤثر اسمی ارز نیز بیانگر ارزش نسبی پول واحدهای پول شرکای اصلی تجاری در مقایسه با واحد پولی کشورهای داخلی می‌باشد. به بیان دیگر نرخ مؤثر ارز اسمی معرف متوسط قیمت کالاهای شرکای اصلی تجاری نسبت به قیمت کالاهای داخلی است. آمار و اطلاعات مربوط به متغیر نرخ مؤثر اسمی ارز از لوح فشرده آمار صندوق بین‌المللی پول (IFS) و سایر متغیرهای مدل از لوح فشرده شاخص‌های توسعه بانک جهانی (۲۰۱۱) برای دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۵ استخراج شده است.

۵- نتایج تجربی برآورد مدل

در این بخش، قبل از تخمین مدل در داده‌های تابلویی لازم است استفاده از داده‌های تابلویی در مقابل داده‌های تجمیع شده با استفاده از آزمون F لیمر مورد آزمون قرار گیرد. نتایج آزمون F لیمر در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۱)- نتایج آزمون F لیمر برای معنادار بودن اثرات داده‌های تابلویی در مقابل داده‌های

تجمیع شده

مقدار آماره F	درجه آزادی	ارزش احتمال
۴/۱۶	(۹۶ و ۴۵۴)	۰/۰۰۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که فرضیه همگنی داده‌ها در مقابل غیرهمگن بودن آنها در سطح معنادار ۵ درصد رد گردیده و لذا می‌توان از داده‌های تابلویی استفاده نمود. در بخش دیگری از مطالعه به منظور استفاده از اثرات ثابت و تصادفی در داده‌های تابلویی از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج این آزمون به صورت جدول زیر می‌باشد:

جدول (۲)- نتایج آزمون هاسمن برای مقایسه اثرات ثابت و تصادفی

مقدار آماره χ^2	درجه آزادی	ارزش احتمال
۱۸/۳۵	۵	۰/۰۰۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

در بخش دیگری از مطالعه، لازم است وابستگی فضایی و وجود خودهمبستگی بین جملات اختلال مورد آزمون قرار گیرد. برای این منظور از آزمون LM و آزمون مورانز استفاده شده است. نتایج آزمون LM در جدول (۳) ارائه شده است:

جدول (۳) - نتایج آماره آزمون LM برای معنادار بودن اثر وابستگی فضایی

مقدار آماره χ^2	درجه آزادی	ارزش احتمال
۵۶/۲۶	۱	۰/۰۰۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر عدم معناداری وابستگی فضایی میان مشاهدات در سطح معنادار ۱٪ رد گردیده و لذا وابستگی فضایی میان مشاهدات مورد تأیید قرار می‌گیرد. در مرحله بعد با استفاده از آزمون مورانز خودهمبستگی بین جملات اختلال مورد آزمون قرار می‌گیرد. نتایج آزمون به صورت جدول زیر می‌باشد:

جدول (۴) - نتایج آزمون مورانز برای آزمون خودهمبستگی فضایی میان جملات اختلال

مقدار آماره Z	درجه آزادی	ارزش احتمال
۹/۲۱	۱	۰/۰۰۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

بر اساس نتایج جدول (۴) می‌توان بیان کرد فرضیه صفر که دلالت بر عدم وجود خودهمبستگی فضایی در بین جملات اختلال دارد در سطح معنادار ۱٪ رد شده و لذا خودهمبستگی فضایی در بین جملات اختلال وجود دارد. در ادامه به منظور بررسی تأثیر نرخ مالیات بر خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از مدل مختلط- رگرسیون فضایی با در نظر گرفتن وابستگی فضایی^۱ میان مشاهدات استفاده شده است. در این مدل، ابتدا ماتریس مجاورت یا همسایگی برای ۵۷ کشور مورد بررسی در طی سالهای ۲۰۱۰-۱۹۹۵ تشکیل گردیده است بدین ترتیب که برای کشورهای همسایه یا مجاور مقدار یک و برای کشورهای غیرمجاور مقدار صفر در نظر گرفته شده است. لذا ماتریس مجاورت، یک ماتریس متقارن 57×57 با عناصر روی قطر اصلی صفر و عناصر خارج از

۱. شایان ذکر است که برای نشان دادن وابستگی فضایی بین مشاهدات، مدل رگرسیونی توسط مدل خطای فضایی و مدل دوربین برآورد شده و بر اساس مقدار آماره حداکثر درست‌نمایی و معیار شوارز-بیزین مناسب‌ترین مدل، مدل دوربین (Spatial Durbin Model) انتخاب شده است. مقدار آماره حداکثر درست‌نمایی برابر با ۲/۲۴- و معیار شوارز-بیزین در حدود ۰/۴۳ می‌باشد.

قطر اصلی صفر و یک می‌باشد. در مرحله بعد به منظور تعریف ماتریس وزنی فضایی از ماتریس مجاورت استاندارد شده مرتبه اول^۱ استفاده شده است. در این ماتریس، استانداردسازی بر مبنای مجموع هر یک از سطرهاى ماتریس مجاورت صورت گرفته است. پس از تشکیل ماتریس وزنی فضایی، مدل تجربی تحقیق برآورد می‌شود. نتایج تخمین مدل به صورت جدول (۵) می‌باشد:

جدول (۵) - نتایج برآورد مدل به روش خودرگرسیون فضایی (SAR) متغیر وابسته لگاریتم خالص

جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

متغیرهای توضیحی	ضریب	مقدار آماره Z	ارزش احتمال
C	-۳/۵۶	-۰/۷۳	۰/۴۶
وابستگی فضایی (P)	۰/۵۲	۸/۳۶	۰/۰۰۰
LGDP	۱/۰۴	۷/۶۴	۰/۰۰۰
LFDI _{t-1}	۰/۰۷	۱/۸۷	۰/۰۶
LREER	۰/۲۶	۳/۱۱	۰/۰۰۲
LOPEN	۰/۱۱	۲/۴۸	۰/۰۱
TR	-۰/۰۲	-۲/۴۱	۰/۰۱۷

$LL = -149.52, \chi^2 = 189.59, R^2 = 0.69$

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج برآورد مدل به روش خودرگرسیون فضایی نشان می‌دهد که کشش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به تولید ناخالص داخلی حقیقی برابر با ۱/۰۴ بوده و با افزایش یک درصدی تولید در این گروه کشورها، میزان خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حدود ۱/۰۴ درصد افزایش می‌یابد. علاوه بر این، متغیر نرخ مؤثر واقعی ارز تأثیر مثبت و معنادار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته به طوری که با افزایش یک درصدی آن، میزان خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حدود ۰/۲۶ درصد افزایش می‌یابد. دلیل تأثیرگذاری مثبت نرخ مؤثر واقعی ارز بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این است که با افزایش نرخ مؤثر ارز، هزینه سرمایه‌گذاری در کشور میزبان کاهش یافته که در نتیجه آن انتظار بر این است بازدهی سرمایه‌گذاری و به تبع آن میزان سرمایه‌گذاری در این قبیل کشورها افزایش یابد. متغیر نرخ مالیات تأثیر منفی و معنادار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته و با کاهش نرخ مالیات به میزان یک درصد، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این گروه از کشورها در حدود ۰/۰۲ درصد افزایش می‌یابد. شایان ذکر

1. Standardized First Order Contiguity Matrix

است که کاهش نرخ مالیات می‌تواند از طریق افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرریز تکنولوژی تولید، ظرفیت و توان تولید داخلی را تقویت نموده و به افزایش سطح درآمد و رشد اقتصادی بینجامد. در نتیجه افزایش سطح تولید و درآمد، از کاهش اولیه درآمدهای مالیاتی دولت کاسته شده که این امر می‌تواند زمینه کاهش کسری بودجه دولت را نیز فراهم نماید. از طرف دیگر متغیر درجه باز بودن اقتصاد تأثیر مثبت و معنادار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته به طوری که با افزایش یک درصدی این متغیر، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای میزبان به میزان ۰/۱۱ درصد افزایش یافته است. بنابراین با افزایش موقعیت تجاری این کشورها با کشورهای شریک تجاری، می‌توان انتظار داشت که بازدهی سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای میزبان افزایش یافته و به تبع آن میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز افزایش یابد. متغیر وابستگی فضایی تأثیر مثبت و معنی‌دار بر جریان خالص ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته به طوری که ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۵۲ می‌باشد. معنادار بودن اثر متغیر وابستگی فضایی نشان می‌دهد که همواره سهمی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در گروه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی وابسته به اثر مجاورت و همسایگی کشورها بوده که این امر، اثر سرریز تکنولوژی و فناوری تولید را تأیید می‌کند. در مدل برآورد شده، مقدار آماره لگاریتم راستنایی و مقدار آماره χ^2 برابر با ۱۴۹/۵۲ - و ۱۸۹/۵۹ می‌باشد. بالا بودن مقدار آماره χ^2 دلالت بر معناداری کلی ضرایب رگرسیون دارد. همچنین مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۶۹ بوده که نشان می‌دهد در حدود ۶۹ درصد از تغییرات متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در گروه کشورهای مورد بررسی ناشی از تغییرات متغیرهای توضیحی و وابستگی فضایی (تأخیر فضایی) می‌باشد. به عنوان نتیجه‌گیری کلی از نتایج تخمین مدل، می‌توان بیان کرد که بخشی از افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این قبیل کشورها وابسته به اثر مجاورت و همسایگی آنها می‌باشد. به عبارت دیگر علاوه بر تولید ناخالص داخلی حقیقی کشورها و سایر متغیرهای توضیحی و کنترلی که عامل افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محسوب می‌شوند، همسایگی و مجاورت کشورها نیز عامل دیگری بر جذب FDI می‌باشد. نکته قابل توجه در برآورد مدل تحقیق، معنی‌داری متغیر تأخیر فضایی است که نشان می‌دهد متوسط اثر همسایگی و مجاورت کشورها در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حدود ۰/۵۸ می‌باشد. لذا با افزایش مجاورت کشورهای مورد بررسی، خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها افزایش یافته است.

۶- نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی

این مطالعه با هدف بررسی تأثیر انگیزه‌های مالیاتی بر خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سالهای ۲۰۱۰-۱۹۹۵ انجام شده است و با بهره‌گیری از مدل رگرسیون مختلط- خودرگرسیون فضایی و آزمونهای مورانز و LM، فرضیه وابستگی فضایی بین کشورها و همچنین خودهمبستگی بین جملات اختلال مورد آزمون قرار گرفت. نتایج این آزمون دلالت بر تأیید اثر وابستگی یا تأخیر فضایی و همچنین خودهمبستگی بین جملات اختلال بوده است. در مرحله بعد، مدل تجربی تحقیق توسط الگوی خودرگرسیون فضایی برآورد گردید. نتایج تخمین مدل، بیانگر تأثیر مثبت و معنادار متغیرهای نرخ موثر واقعی ارز، تولید ناخالص داخلی حقیقی و درجه باز بودن اقتصاد و تأثیر منفی نرخ مالیات بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این گروه از کشورها بوده است. همچنین نتایج حاصل از برآورد مدل گویای این موضوع است که با افزایش نرخ موثر واقعی ارز، تولید ناخالص داخلی حقیقی و درجه باز بودن اقتصادی میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها افزایش می‌یابد. به بیان دیگر با افزایش نرخ مؤثر واقعی ارز، هزینه سرمایه‌گذاری افزایش یافته که در نتیجه آن بازدهی انتظاری سرمایه‌گذاری خارجی افزایش می‌یابد. علاوه بر این، با افزایش اندازه بازار (تولید ناخالص داخلی حقیقی) و درجه باز بودن اقتصادی انتظار بر این است که دسترسی به منابع کافی جهت سرمایه‌گذاری در این کشورها افزایش یافته که در نتیجه آن خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش پیدا می‌کند. متغیر نرخ مالیات در این مطالعه دارای تأثیرگذاری منفی و معنادار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده و افزایش آن منجر به کاهش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شده است. بنابراین می‌توان استدلال نمود که کاهش نرخ مالیات می‌تواند ضمن افزایش انگیزه‌های مالیاتی و افزایش سطح تولید در کشورهای میزبان، منجر به افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی شود. اثر همسایگی و مجاورت کشورها تأثیر مثبت و معنادار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مورد بررسی دارد. معنادار بودن ضریب اثر همسایگی و مجاورت کشورها نیز نشان می‌دهد با افزایش میزان همسایگی و مجاورت کشورهای مورد مطالعه، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش یافته و لذا اثر سرریز منطقه‌ای در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأیید می‌شود. نتایج به دست آمده در این مطالعه مبنی بر تأثیرگذاری منفی و معنادار نرخ مالیات بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام شده نظیر مطالعات کاسیدی و کالاقان (۲۰۰۶)، کانگ و لی (۲۰۰۷) و وائوگو (۲۰۱۲) سازگار می‌باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده، مهمترین توصیه سیاستی این مطالعه آن است که سیاست‌گذاران اقتصادی این قبیل کشورها با اعمال سیاست‌های مالی انبساطی همانند کاهش نرخ مالیات و تقویت انگیزه‌های مالیاتی ضمن افزایش سطح تولیدات داخلی زمینه افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری و به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را فراهم نمایند. زیرا کاهش نرخ مالیات می‌تواند از طریق افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تقویت رشد اقتصادی منجر به افزایش سطح درآمد و کاهش اولیه درآمدهای مالیاتی دولت شود.

شایان ذکر است که کاهش نرخ مالیات ممکن است منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت و در نتیجه ایجاد کسری در کوتاه مدت شود که این امر می‌تواند از طریق افزایش درآمدهای ناشی از جذب جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی جبران شود. از سوی دیگر با توجه به تأثیرگذاری مثبت و معنادار متغیرهای تولید ناخالص داخلی و درجه باز بودن اقتصاد، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران اقتصادی با افزایش سطح تولید و درآمد داخلی و همچنین حجم تجارت، زمینه افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری و به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را فراهم نمایند. از سوی دیگر با توجه به تأثیرگذاری منفی نرخ مالیات بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پیشنهاد می‌شود کارشناسان اقتصادی ضمن توجه به انگیزه‌های مالیاتی با اعمال سیاست‌های مناسب به تقویت بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مبادرت ورزیده و از این طریق موجبات افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را مهیا نمایند.

فهرست منابع

- ۱- حاجیلی، معصومه (۱۳۷۹)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۴: ۱۵۱-۱۵۲.
- ۲- داودی، پرویز و شاهمرادی، اکبر (۱۳۸۳)، بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۰: ۸۱-۱۱۳.
- ۳- ذوالقدر، مالک (۱۳۸۸)، مبانی نظری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲: ۱۰۷-۸۹.
- ۴- طیبی، سید کمیل و گوگردچیان، احمد (۱۳۸۵)، بررسی عوامل جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع پتروشیمی ایران به روش داده‌های تابلویی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هشتم، شماره ۲۶: ۲۰۳-۱۸۱.
- ۵- فطرس، محمدحسن و نجارزاده نوش آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، بررسی اثر حقوق مالکیت معنوی بر روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه D8، فصلنامه رشد فناوری، سال ششم، شماره ۲۴: ۳۹-۴۶.
- ۶- مزینی، امیر حسین و مرادحاصل، نیلوفر (۱۳۸۹)، بازشناسی عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۷: ۳۵-۱۵.
7. Anselin, L. (1988), *Spatial Econometrics: Methods and Models*. Kluwer, Dordrecht.
8. Azemar, C. and Deliois, A. (2008), Tax competition and FDI: The special case of developing countries, *Journal of the Japanese and International Economies*, 22(1): 85-108.
9. Baltagi, B. (2005), *Econometric Analysis of Panel Data*. John Wiley and Sons Ltd, England.
10. Bilgili, F., Tülüce, N.S. and Doğan, I. (2012), The determinants of FDI in Turkey: A Markov Regime-Switching approach, *Economic Modelling*, 29: 1161-1169.
11. Blonigen, B.A. (2005), A Review of the Empirical Literature on FDI Determinants, *Atlantic Economic Journal*, 33: 383-403.

12. Cassidy, J.F. and Callaghan, B.A. (2006), Spatial Determinants of Japanese FDI in China, *Japan and World Economy*, 18(4): 512-527.
13. De Mooij, R. and Ederveen, S. (2003), Corporate Tax Elasticities: A Reader's Guide to Empirical findings, *Oxford Review of Economic Policy* 24 (4): 680-697.
14. Hartman, D.G. (1984), Tax policy and Foreign Direct Investment in the United States. *National Tax Journal* 37, 475-487.
15. Hines, J.R. (2000), Tax Sparing and Direct Investment in Developing Countries, *International Taxation and Multinational Activity*, 12(2): 39-52.
16. Jayachandran, G., S., A. (2010), A Causal Relationship between Trade, Foreign Direct Investment and Economic Growth for India, *International Research Journal of Finance and Economics* 42, 74-88.
17. LeSage, J. P. (1999), *Spatial Econometric, Manual for Spatial Econometrics* Function Library. <http://www.spatial-econometrics.com/>.
18. Leibrecht, M. and Riedl, A. (2010), Taxes and Infrastructure as Determinants of Foreign Direct Investment in Central and Eastern European Countries revisited: New Evidence from a Spatially Augmented Gravity Model, *Working Paper Series*: 1-33.
19. Nwaogu, U.G. (2012), *Essays on Spatial Analysis of Foreign Direct Investment and Economic Growth Determinants in Developing Countries*, Ph.D thesis, Western Michigan University.
20. Oliviera, J.Z. (2012), Tax Competition for Foreign Direct Investment under Information Uncertainty, *Economic Modeling*, 29(6): 2269-2273.
21. *World Development Indicators* (2011), www.worldbank.org